

مقدمه :

شعر فارسی یکی از غنی ترین و ارزشمندترین سرمایه های ملی ماست که شاعران گذشته و معاصر ، اندیشه های انسان دوستانه و عاطفی خود را در قالب کلماتی موزون و عاطفی به نظم کشیده و می کشند و خوانندگان این اشعار اندیشه های بزرگ را از آنها فرا می گیرند و به نوعی آرامش درونی و روانی می رسند . جامعه شناسی ادبیات به عنوان یک شاخه علمی ممتاز ، افکار اجتماعی ، فرهنگی و اخلاقی و ... شاعران و نویسندگان را مورد بررسی قرار می دهد ، افکاری که بیان کننده ی اوضاع زمان آنها و فرهنگ و آداب و رسوم حاکم بر آن زمان است . شاعر یا نویسنده ، به عنوان عضوی از اعضای جامعه آنچه از تجارب و تحصیلات خویش اندوخته ، به رشته ی تحریر درمی آورد . در آثار آنان که حاوی مضامین پندآموز است ، مسایل زمان هم به نوعی منعکس شده ، که ما را بهتر با فرهنگ پیشینیان آشنا می سازد . جامی ، از جمله شاعران پرکار در شعر فارسی است ، که آثار گرانسنگی از خود به یادگار گذاشته است . آثار او آمیزه ای از نکات اجتماعی ، اخلاقی و عرفانی است و تا حد امکان ، از ذکر هیچ نکته ای در این موارد فروگذار نکرده است . جامی مثل دیگر شاعران بزرگ فارسی ، در حفظ میراث فرهنگی ایران و انتقال آن به نسل آینده ، بسیار کوشیده و آثار زیادی به جامعه تقدیم کرده است ، که هر کدام در نوع خود سهم به سزایی در حفظ فرهنگ اصیل ایرانی دارد .

با آن که بیشتر موضوعات دیوان جامی را ، عرفان تشکیل داده است ، اما مباحث اجتماعی و اخلاقی چون : عدالت ، جوانمردی ، خوبی به همنوع ، اظهار همدردی و ایثار به مردم و مسایلی از این قبیل کم نیست ، که هر کدام در جای خویش مورد بررسی قرار گرفته است . دکتر سلیم ، در مورد جامی عقیده دارد : « جامی بر آن نظر است ، در هر حالت و مرحله ای باید متوجه خلق خدا باشد و از نیکوکاری به مردم دریغ نکند ، همانند باران که بر گل و خس می بارد و اگر هم مقام و مرتبه ای دارد و باز هم نسبت به مردم از هم پستی و ایثار خودداری ننماید. » (سلیم ، 1377 : 4)

جامی ، برای تبیین افکار خویش ، از فرهنگ مردم استفاده کرده است . در شعر او ، می توان تمایلات پنهان جامعه و معیارهای ارزش هارابازشناخت و به بسیاری از شرایط حاکم بر اوضاع زمانه ی وی پی برد .

اهمیت موضوع مورد پژوهش :

بررسی شعر شاعران و روشن کردن ارزش هنری آثار آنها همیشه مورد توجه پژوهشگران و محققان بوده است . بیشتر پژوهش ها در زمینه هایی مثل ، صور خیال ، شرح و تصحیح و مسایل دستوری و ... انجام گرفته

ولی درباره ی جامعه شناسی آنها کمتر کار شده است . در مورد جامی هم این مطلب صدق می کند . در مورد جامعه شناسی آثار او ، از جمله دیوان اشعارش کاری صورت نگرفته است و لازم بود که به طور کلی و مفصل به این مسأله پرداخته شود . لذا بررسی مباحث جامعه شناسی دیوان جامی و اجتماعیات و اخلاقیات در آن ، جهت آشنایی علاقمندان و دانشجویان و پژوهش گران آثار جامی ضروری به نظر می رسد.

موارد و روش کار :

این تحقیق یک مطالعه ی اسنادی و تحلیلی به شیوه ی کتابخانه ای است . بر این اساس ابتدا منابعی در رابطه با جامعه شناسی ادبیات مورد مطالعه قرار گرفت و سپس دو جلد دیوان جامی که شامل قصاید ، غزلیات ، قطعات و ... است بررسی و مطالب مورد پژوهش استخراج و تحلیل و جمع بندی گردید که برای اجتناب از تطویل کلام ، برای هر مورد از مسایل مورد بررسی به ذکر چند نمونه بسنده کرده ایم .

سؤال های پژوهش :

- 1- جامی در بیان افکار خویش تا چه حدی از زبان مردمی استفاده کرده است ؟
- 2- در اشعار جامی شرایط حاکم بر زمان او تا چه حدی مشهود است ؟
- 3- جامی تا چه اندازه ای از جامعه ی زمان خویش تأثیر پذیرفته یا بر آن تأثیر گذاشته است ؟
- 4- مباحث اجتماعی و اخلاقی چقدر در دیوان جامی نمود دارد ؟

فصل اول

کلیات

جامعه‌شناسی ادبیات :

جامعه‌شناسی ادبیات فارسی ، نسبت به سایر مباحث کمتر مورد توجه قرار گرفته است و در این زمینه جز چند اثر از استادان بزرگ ، کارگسترده ای انجام نگرفته است . ادبیات فارسی ، صرف نظر از این که دارای زیبایی‌های ادبی خاص خود است ، در لابلاهای برگ‌های سرسبز آن ، گل‌هایی از آموزه‌های تربیتی و اجتماعی و فرهنگی و روان‌شناسی وجود دارد ، که با تأمل و تعمق در این زمینه بهتر می‌توان به اهمیت آن پی برد . « شعر برداشت‌هایی از زندگی نیست ، یکسره خود زندگی است . » (ترابی ، 1379 : 36) این آموزه‌ها نه تنها برای پژوهشگران ، بلکه برای صنوف مختلف جامعه می‌تواند ثمربخش باشد و مردم را با افکار جامعه شناختی بزرگ مردان ادب فارسی آشنا سازد .

امروزه ما در جهان شاهد مکاتب مختلف جامعه‌شناسی هستیم ، که مباحث و مطالب مطرح شده‌ی آن‌ها در دیوان شاعران و کتب نویسندگان فارسی نیز به نحو احسن مورد بررسی قرار گرفته است ، نکاتی که نیاز به تحقیق بیشتری دارد . به جرأت می‌توان هر کدام از بزرگان ادب فارسی را نماینده‌ی یک مکتب جامعه‌شناسی دانست .

جامعه‌شناسی ادبیات به عنوان یکی از شاخه‌های تخصصی جامعه‌شناسی در اواخر قرن نوزدهم شکل گرفت ؛ اگرچه در ایران علمی نوپاست و سابقه‌ی طولانی ندارد . ستوده در این باره می‌گوید : « نخستین بار جورج لو کاج بود که توانست جامعه‌شناسی ادبیات را به علم اثباتی تبدیل کند و آن را با همه زیبایی‌شناسی کلاسیک و دیالکتیک کانت و هگل و مارکس پیوند دهد . در ایران نیز کسانی چون غلامحسین صدیقی و محمود روح‌الامینی ، مباحثی را تحت عنوان «اجتماعیات در ادبیات» مطرح کرده و راه شناخت جامعه‌ی ایرانی را از لابه‌لای متون ادبی گشودند. » (ستوده ، 1374 : 4-2)

شاعر یا نویسنده به عنوان یک عنصر اجتماعی در عصری که زندگی می‌کند ، مانند آینه ، اوضاع اجتماعی زمان خویش را در آثارش منعکس کرده است ، که امروزه می‌تواند سرمشق و تجربه‌ای برای نسل‌های جدید باشد . بین اثر ادبی و نویسنده‌اش از یک طرف و جامعه و اجتماع از طرفی دیگر ، ارتباط تنگاتنگی در همه‌ی ابعاد وجود دارد و بیان این ارتباط و اهداف آن ،

در بهبود و پیشرفت فرهنگ جامعه مؤثر است . جامعه‌شناسی ادبیات ، بررسی این متون از دیدگاه جامعه‌شناختی است . « مادام دوستال در مورد مطالعات اجتماعی و هنری خود می‌گوید : من خواسته‌ام تأثیر آیین

ها و آداب و رسوم وقوانین را در ادبیات و متقابلاً تأثیر ادبیات را روی آیین ها و آداب و رسوم و قوانین مورد بررسی قرار دهم. « (ترابی ، 1379 : 29)

«هر دور» مبنای تاریخ ادبی را بر اساس جامعه شناسی مجسم می کند و توجه خاصی به دوره ی هر کدام از شاعران و نویسندگان کرده است. از نظر او در باره ی وضع اقلیمی ، چشم انداز ، اقوام ، آداب و رسوم و حتی اوضاع سیاسی و رابطه ی آن ها با ادبیات مطالب زیادی قابل دریافت است. (ولک ، 1379 : 256)

تعاریف زیادی در مورد جامعه شناسی و جامعه شناسی ادبیات بیان شده ، که ما به چند مورد اکتفا می کنیم :

« علمی است که زندگانی اجتماعی را مورد بررسی قرار می دهد ، بنابر این موضوع جامعه-شناسی ، زندگانی اجتماعی است . به بیان دیگر می توان گفت ، جامعه شناسی بیان و توجیه زندگانی اجتماعی است ، اعم از این که مربوط به انسان ها باشد یا جانوران . در واقع جامعه شناسی از زندگانی اجتماعی موجودات زنده گفتگو می کند و باز اعم از این که موجودات در حال حاضر زندگانی می کنند یا در گذشته از زندگی برخوردار بوده اند . « (سلیم ، 1378 : 12 - 11)

« جامعه شناسی ادبیات ، به عنوان دانشی اجتماعی ، به بررسی ادبیات ، این بخش از شعور اجتماع می پردازد و با روش علمی جوهر اجتماعی آثار ادبی ، شرایط و مقتضیات محیط اجتماعی در برگیرنده و پرورنده ی شاعر و نویسنده ، جهان بینی و موضوع فکری آنان ، مباحث و موضوعات و سفارش های اجتماعی مورد توجه در آثار ادبی را مورد مطالعه قرار می دهد . « (ترابی ، 1385 : 5)

« جامعه شناسی ادبیات ، مطالعه تولید و توزیع و مصرف ادبیات در مقیاس جامعه است . جامعه شناسی ادبیات ، علاوه بر شناسایی عوامل فرهنگی ، تعیین خطوط اصلی سیاست فرهنگی و در نتیجه برنامه ریزی های فرهنگی بر اساس معیارهای مقبول فرهنگی است . « (اسکارپیت ، 1387 : 5)

بی تردید منزلت و جایگاه انسان در جامعه و با تعامل و ارتباط با دیگران شکل می گیرد و شاعر یا نویسنده نیز از این قاعده مستثنی نیست . اشعار و مکاتیب شاعران ، بیانگر منزلت اجتماعی خویش و افراد عصر آنهاست . تمام ملل در طول تاریخ دارای فرهنگ خاصی بوده اند ، که این خصیصه ها و ویژگی ها و به بیانی بهتر ، آداب و رسوم و فرهنگ خود را به نسل های آینده انتقال داده اند ، تا به زمان ما رسیده است . ما همه ی یافته های خود را از هوش و عقل و شخصیت گرفته تا اعتقادات دینی و آداب و رسوم و اخلاق ، به شکلی فشرده در ارتباط های بین خود و جامعه به دست می آوریم ، یعنی جامعه و محیط ما ، حتی آب و هوا و

شرایط جوی و اقلیمی ، در شکل گیری شخصیت و اخلاق و رفتار ما مؤثرند . « هیبولیت تن » Hibolit

Ten منتقد فرانسوی ، ادبیات را محصول زمان ، محیط اجتماعی و نژاد می داند . به عقیده ی وی حوادث و

احوال اجتماعی مولود و نتیجه ی این سه عامل است . (زرین کوب ، 1375 : 35)

سرزمین ایران به طور اخص و مشرق زمین به طور اعم ، از نظر شرایط اقلیمی و بافت جغرافیایی از شرایط مطلوبی برخوردار بوده و از همان دوران باستان فرهنگ پرور و تمدن خیز بوده است . این ساختارهای اجتماعی و محیط فرهنگی و موقعیت های شاعران و نویسندگان در خلق آثار ادبی مؤثر بوده اند . گاهی آثار حالتی واقع گرایانه و بیرونی دارد ، مثل آثار سبک خراسانی و گاهی حالت رمانتیک و انتزاعی دارند و شاعر بیشتر به امور ذهنی می پردازد تا امور عینی ، مثل آثار شاعران سبک عراقی .

لذتی که در یک تابلوی نقاشی یا طراحی یک منظره ، یا یک قطعه ی موسیقی و یا در هر هنر دیگری که وجود دارد ، در شعر یا نثر نیز وجود دارد و همین حالت هنری آن ، تأثیر زیادی بر احساسات و عواطف مخاطب دارد . اما این زیبایی ، زمانی به اوج می رسد ، که ما در کنار زیبایی های هنری آن ، مقاصد جامعه شناسی ، تربیتی و فرهنگی آن را هم دریابیم ، که یک هنرمند ، پیام اجتماعی را هنرمندانه در لفافه ی سخن پیچیده و به شیوه ای گیرا در اختیار مخاطب قرار می دهد . « از مطالعه ی آثار ادبی می توان دریافت که عواطف و احساسات شاعر و هنرمند چیست و محرک او در اندیشه ها و الهامات خویش کدام است و هم چنین صفات و احوال نفسانی غالب بر عصر و معاصرانش را نیز می توان شناخت . » (همان ، 1375 : 41)

آثار بزرگان ادب ، سرشار از تجربیات خویش و اقوام گذشته ، آداب و رسوم ملل مختلف ، مراتب انسانی عرفانی و آموزه های زیبای اخلاقی است . شاعران یا نویسندگان هر عصر ، این فرهنگ عظیم باستانی را به نسل بعدی ارتباط داده و راه را برای بهبود فرهنگ جامعه هموار کرده اند . « مطالعه ی ادبیات و هنر از دیدگاه جامعه شناسی و یا بررسی محتوا و شناخت جوهر اجتماعی شعر و ادب از نظر دانش های اجتماعی ، مستلزم شناخت علمی جامعه از سویی و بررسی شعر و هنر از سوی دیگر و پیوند جامعه و اثر در این میان است . » (ترابی ، 1370 : 16)

در آثار شاعران و نویسندگان سبک عراقی ، با توجه به اینکه ، ایران تحت اشغال مغولان و تیموریان بوده است ، بیشتر مسایل اجتماعی و سیاسی مطرح شده و شاعر از دربار سلاطین فاصله گرفته است . فاصله ی طبقاتی که در هر عصر و دوره ای وجود داشته ، در عصر سبک عراقی و اصفهانی نمود بیشتری دارد . بهتر است در این مورد به سخنان ترابی و مسکوب اشاره کنیم : « درباره ی محیط اجتماعی بویژه طبقات اجتماعی

یا اقتدار و اعتبار آنان بهتر است از زبان خود مولوی (خطاب به فرزندش بهاء الدین سلطان ولد) در ضمن توصیف قونیه بشنویم که می گوید: نگاه کن و ببین چند هزار خانه و قصر به امرا و درباریان، اشراف و بازرگانان تعلق دارد. خانه ی صنعت گران بلند است، ولی خانه ی تجار از آن بلندتر است و خانه ی امرا از خانه ی تجار مرتفع تر و قصور سلاطین صدمبار زیباتر و پرارزش تر است. (ترابی، 1385: 11) هر کدام از بزرگان ادب فارسی، دارای نوعی بینش اجتماعی و جهان بینی خاصی هستند، که این افکار عالی و آرمانی آنها، در آثارشان انعکاس یافته است، که ذکر یکایک آنها نیاز به پژوهش بیشتری دارد. هر کدام از این بزرگان دوشادوش مردم حرکت کرده اند، با مردم زیسته اند و لذا از بیان نکات ارزنده ی اجتماعی و اخلاقی و دینی و ... دریغ نکرده اند، آثار خود را با طراحی هدفمندانه و هنرمندانه و دارای اصول و قوانین خاص، هم جهت با مسیر اجتماعی بهتر پایه ریزی کرده اند. «در ادبیات قدیم، نه فقط چیزهای طبیعت، بلکه حال های نفسانی هم بیشتر یکسان است. در جهان بینی شاعر قدیم انسان تافته ای است جدا بافته، و از گوهر فرشته و دیو، گرچه دم خدا در وی دمیده شده، اما شیطان نیز، در چراگاه روح خود می خرامد، می شود به جایی برسد که بجز خدا نبیند و می شود که همیشه اسیر ابلیس بماند.» (مسکوب، 1378: 58)

همواره، اندیشمندان بزرگ، برای اینکه به حد کمال برسند، به تحصیل علم و ادب، تهذیب و تزکیه ی نفس، سیر و سلوک عرفانی، آرایش صفات الهی و انسانی و سیر و سیاحت پرداخته اند و حاصل تجارب خویش را در قالب شعر و نثر به مردم ارائه کرده اند، که حاصل یک عمر تلاش و ثمره ی زندگی آن ها بوده است. علی اکبر ترابی در این زمینه می گوید: «هر شاهکار هنری، در تحلیل نهایی عصاره ای از فرهنگ جامعه و خرده فرهنگی است که هنرمند در آن پرورش فکری و ذوقی و فرهنگی یافته و به اثر خود شکل و محتوا بخشیده، با اندک دقتی در هنر و جهان بینی هنرمند، به نقش و اهمیت آن پی می بریم.» (ترابی، 1379: 17)

شاعر یا هنرمند، از ارزش ها و ضد ارزش ها، هنجارها و ناهنجارهای جامعه و بیداد حاکمان، اوضاع زندگی افراد مرفه و فرودست، طبقات مختلف جامعه و فاصله ی طبقاتی، ترقی و انحطاط جوامع و علل آن، بی لیاقتی حاکمان و کارشکنی های درباریان، مقدسات جامعه و مسائل گوناگون مذهبی و انسانی و الهی، داد سخن سر داده اند و این بیانات، در آگاهی مردم نقش بسزایی داشته است. آثار حماسی، تعلیمی، نمایشی، مذهبی، غزلیات اجتماعی و سیاه مشق ها، آثار طنز و ... همگی در خط و مشی دادن جامعه و نشان دادن چالش های اجتماعی و بیداری مردم اثر انکارناپذیری دارند.

جامی، از جمله شاعران سرآمد عصر خویش و از پرکارترین آنها، در آثار خود مطالب زیبایی اجتماعی و اخلاقی و عرفانی و مذهبی را تقدیم جامعه کرده است.

شرح حال جامی :

نام آن جناب ، مولانا نور الدین عبدالرحمن فرزند نظام الدین احمد بن محمد ، شاعر و نویسنده و عارف نام آور قرن نهم است ، که بزرگ ترین استاد سخن بعد از عهد حافظ و خاتم الشعرا بزرگ پارسی گوی است . جامی به سال (817 ه . ق) در خرچرد جام خراسان متولد شد . خاندانش اصلاً از محله ی دشت اصفهان بوده است و بدین سبب ، ابتدا « دشتی » تخلص می کرد . در هنگام اقامت در جام و هرات و به خاطر ارادتی که به احمد جام ژنده پیل داشته ، تخلص خود را جامی قرار داده است . خود در سبب این تخلص می گوید :

مولدم جام ورشحه ی قلمم
جرعه ی جام شیخ الاسلامی است
لاجرم در میان اهل سخن
بدو معنی تخلصم جامی است

جامی ، ابتدا در نزد پدرش به تحصیل علم پرداخته ، سپس برای تکمیل تحصیل با پدرش راهی هرات شده و در نظامیه ی هرات به ادامه ی تحصیل پرداخته است . جامی ، از محضر استادانی چون: مولانا جنید اصولی ، خواجه علی سمرقندی ، مولانا شهاب الدین محمد جاجرمی ، قاضی زاده ی رومی ، شیخ سعد الدین کاشغری و عارف بزرگ نقشبندیه ، خواجه محمد پارسا ، کسب علم و ادب کرده است . بعدها هم همین طریقت نقشبندیه را پذیرفته ، که در دیوانش به آن اشاره کرده است .

جامی ، در طول زندگی مسافرت هایی هم به خراسان ، ماوراء النهر ، حجاز ، بغداد ، کعبه ، کربلا ، نجف ، مدینه و تبریز داشته است ، که در آثارمنثور و منظومش به آنها اشاره کرده است . او در شعر و نثر مرتبه ی والایی دارد و می توان گفت لقب آخرین استاد شعر فارسی سزاوار اوست . اگر چه جامی ، خود را یک عارف می داند تا شاعر ، اما با توجه به استعداد فطری اش نتوانسته است خود را از شعر گفتن برکنار دارد . آثار زیادی به او نسبت داده اند ، که معمول ترین آن ها 54 اثر نظم و نثر و رساله است . تخلص « جامی » را برای تعداد آثار او نیز به کار برده اند که از روی حساب ابجد ، مطابق با عدد 54 است .

جامی ، در شاعری بیشتر به امیر خسرو دهلوی نظر دارد و از شاعران دیگری چون خاقانی سنایی ، انوری سعدی ، حافظ ، سلمان ساوجی ، کمال خجندی و منوچهری هم پیروی کرده است . جامی شاعری نظیره پرداز است ، در مثنویاتش ، به فردوسی و نظامی و امیر خسرو و سنایی و اوحدی متمایل است ، اما در سرودن هفت اورنگ ، از نظامی تبعیت می کند و در مقایسه با شاعران نظیره پرداز دیگر ، از آن ها موفق تر است .

از حوادث مهم زندگی جامی ، مرگ فرزندان اوست ، که زندگی او را تحت تأثیر قرار داده ، که در رئای آن ها شعر هم ساخته است . فرزند اول او یک روز بیش نمانده و به اسمی مسمی نشده بود ، فرزند دومش خواجه

صفی الدین ، که بعد از یک سال وفات کرده است ، فرزند سومش خواجه ضیاء الدین یوسف ، که زنده ماند و چهارمین فرزندش ، خواجه ظهیرالدین عیسی ، که بعد از چهل روز فوت کرده است . جامی ، سرانجام در اوج وارستگی و بلند آوازی ، در سال (898 ه . ق) چشم از جهان فرو بسته ، در حالی که آثار شایان توجهی از خود به یادگار گذاشته بود . (صفا ، 1374 : 155 - 152)

رضازاده ی شفق به مقام جامی چنین بها می دهد : « جامی بزرگ ترین شاعر و ادیب قرن نهم و آخرین شعرای متصوفه است ، که اسم او را می توان ، در ردیف سعدی ، انوری ، مولوی ، حافظ خیام و فردوسی برد و بعد از او شعرای بزرگ در ایران به ندرت ظهور کرده اند . جامی ، نه تنها اشعار سروده ، بلکه در فنون و علوم دین و ادب و تاریخ نیز مهارتی به سزا داشته و از این حیث ، در میان دیگر شعرا دارای مقام مخصوصی است . » (رضا زاده ی شفق ، به نقل از افصح زاد ، 1378 : 43)

علی اصغر حکمت ، در کتاب خود ، (جامی برای دبیرستانها) که در سال 1320 نوشته است می گوید :

« بزرگ ترین استادی که در نظم و نثر فارسی ، در قرن نهم تاریخ اسلام در سرزمین ایران به ظهور رسیده است ، علی التحقیق عبدالرحمن جامی است ، که صیت فضیلت و دانش او نه تنها در خراسان که وطن اوست ، بلکه در تمام نقاط ممالک فارسی از هندوستان و افغانستان و ماوراء النهر تا آسیای صغیر و اسلامبول انتشار یافته و هم چنین نام اونه تنها در زمان خود وی ، بلکه تا این روزگار ، نزد اهل ادب قرین عزت و احترام است . » (حکمت ، 1320 : 1)

جامی ، تا اواخر عمرش با آزادگی ، قناعت ، مناعت طبع و شوخ طبعی در میان مردم زیست ، هرگز ، به مال و منال و جاه دنیا دل نبست ، در میان مردم به سادگی و صمیمیت و رفاقت زندگی کرد ، از محبوبیت خاص و عام برخوردار بود و حتی در دوران پیری هم ، از عزت و احترام ویژه ای برخوردار بود . هنگامی که وفات یافت ، بنا به گفته ی شاگردش عبدالغفوری لاری ، تمام مردم در تشییع جنازه اش شرکت داشتند و از صغیر و کبیر کسی نبود که در مرگ جامی نگرید و بالأخره ، با عزت و احترام ، به خاک سپرده شد .

دوران پیری جامی نیز ، مثل اغلب شاعران با فقر و تهیدستی همراه بوده است ، نجیب مایل هروی ، در کتاب خود شیخ عبدالرحمن جامی ، در مورد کهولت و پیری جامی چنین اشاره می کند : « جامی در پیرانه سر ، از محبوبیتی عام برخوردار بود و از شرق ایران ، شبه قاره ی هند و غرب ایران ، آسیای صغیر ، به او توجه بسیار می شد . نقدینه هایی که از سوی ملک التجار محمود گاوان از هندو از سوی سلطان بایزید عثمانی ، از استامبول به دست جامی می رسید ، او را در ایام سال خوردگی و کهولت دستگیر بود . » (مایل هروی ، 1377 : 60)

اوضاع اجتماعی - سیاسی عصر جامی :

دوره ی جامی ، مقارن با سلطنت تیموریان بوده که دوره ای کمابیش آرام و بی دردسر بوده است. بخصوص در دوران حکومت شاهرخ و سپس در دوران سلطنت سلطان حسین بایقرا ، شهر هرات به اوج آبادانی و رونق خود رسیده بود و امیر دانش دوست این دوره امیر علیشیر نوایی ، که مردی دانش دوست و شاعر بود ، در آبادانی این مرکز حکومتی نقش به سزایی داشته است . از میان پسران شاهرخ ، بایسنقر میرزا نیز ، در آبادانی شهر هرات و اجتماع شاعران و هنرمندان در آن جا مؤثر بوده است .

در مشرق ایران ، سلاطین تیموری حکومت داشتند که سمرقند و هرات پایتخت آنها بوده است و جامی ، با این سلاطین هم عصر بوده و دوران حکومت آنها را درک کرده است . شاهانی چون : شاهرخ میرزا ، میرزا ابوالقاسم بابر ، میرزا بو سعید گورکان و سلطان حسین بایقرا . نیمه ی دیگر ایران یعنی مغرب و جنوب ، که نخست ترکمانان قرا قویونلوها و سپس آق قویونلوها سلطنت می کردند . در زمان اوزون حسن و پسرش یعقوب ممالک ایران مانند عراق و آذربایجان و فارس و بین النهرین ، 25 سال در کمال نظم و آرامش بوده است .

حوادث مهم سیاسی قرن نهم عبارتند از : دوره های طولانی امنیت و آسایش و دوره های کوتاه اختلال و آشوب ، یعنی در پرتو غلبه و اقتدار یکی از آن سلاطین ، چند سالی صلح و سلامت بوده و سپس بعد از مرگ آن پادشاه ، سراسر مملکت صحنه ی جنگ های خونین ، ما بین شاهان زمان و شاهزادگان همان سلسله می شده است . در زمان سلطان حسین بایقرا از سال (875 ه . ق) جامی در آسایش کامل بوده است .

از خصایص دیگر قرن نهم ، انتشار عقاید متصوفه می باشد . این عقاید و افکار در شرق و غرب ممالک اسلامی در آن زمان رواج بسیار داشت . شاهان تیموری احترام خاصی به مشایخ فقر و بزرگان خانقاه می نهادند و حتی خودشان به ایجاد خانقاه می پرداختند . در این قرا ، مبادی دینی و مذهبی و اصول و قواعد کلامی به طریقه ی اشاعره ، که روش اهل سنت و جماعت است ، در شرق ایران به استواری و استحکام بسیار برقرار بوده است . (حکمت ، 1320 : 6 - 4)

در این دوره ، نزاع بین مذاهب تشیع و تسنن به اوج می رسید و اعتقادات دینی ، که غالباً به خرافات و اوهام می انجامید . تیمور ، خود را از همه ی مسلمانان برتر می دانست و تا حدی برای خود رسالت قایل بود که خود را از مجددان دین قلمداد می کرد . وی مدعی بود که با تضمین یکی از سادات ذی قدر به صدارت اسلام ، اوقاف را تحت ضابطه در آورده بود . برای هر شهر مفتی و محتسب و قاضی تعیین می کرد ، مسجد و خانقاه می ساخت یا آن ها را مرمت می کرد و علما و مدرسانی در آن ها گماشته بود ، تا مسائل دینی

و شرعی را به مردم بیاموزند . تیمور ، به فتوحات خود عنوان « غزو » داده بود ، تا در شمار غازیان اسلام در آید . به حمله ای که در اواخر عمرش به چین تدارک می دید ، عنوان « جهاد با کفار » داده بود . تیمور می خواست این جنگ را کفاره ی کشتارهای بی امان مسلمانان بسازد .

شاهرخ میرزا ، مردی متدین و معتقد به اجرای احکام و فرامین الهی بوده است ، به همین جهت به او نیز لقب مجدد دین داده شده است . شاهرخ ، از حامیان بزرگ جامی بود و جامی در حمایت این سلطان بزرگ تیموری ، تألیفات و اشعار خود را در آرامش به رشته ی تحریر در آورد . شاهرخ ، به خواجه عبدا... انصاری ارادت داشت و پنجشنبه ها به زیارت قبر او می رفت . علاوه بر آن ، به مشایخ دیگر متصوفه هم ارادت می ورزید و مدام به زیارت ضریح امام رضا (ع) می رفت و بر روی هم ، رفتاری مؤدبانه و ادب آمیز با علما و شعرا و مشایخ داشت . (همان 1320 : 35 - 23)

جامی ، چنان که اشاره شد ، در دوره ی بزرگ ترین شاهان تیموری می زیست و خودش هم شاعری بزرگ و صوفی مشرب بود ، همواره مورد احترام این شاهان بود . پیوسته با شاهان تیموری مراوده و مکاتبه داشته و از اظهار نظرات خود به آنها ابایی نداشته است . سلطان حسین بایقرا ، بیشتر از شاهان دیگر ، به او حرمت داشت و در کتاب خود « مجالس العشاق » ، مجلس پنجاه و هفتم را به احوال جامی اختصاص داده است . از دیگر حامیان بزرگ جامی ، امیر علیشیر نوایی بود که ارادت و احترام خاصی به او داشت و در کتاب خود « مجالس النفائس » ، جامی را با عنوان « نورا » خوانده ، که حاکی از ارادت او نسبت به جامی است . (جلالی ، 1384 : 42 - 41)

جامی ، در چنین دوره ای توانست به نشر آثار و تربیت شاگردانش همت گمارد و تعلیمات و آموخته های خود را در قالب نظم و نثر بریزد و شعر و نثر فارسی را که رو به انحطاط گذاشته بود ، بار دیگر احیا کند . او توانست رسم و شیوه ی شاعران پیشین را ، که رو به فراموشی سپرده شده بود یا در معرض سقوط بود ، با جواب گویی و نظیره نویسی احیا کند و در این کار ، در مقایسه با شاعران نظیره پرداز دیگر به توفیق بیشتری هم دست یافت .

فصل دوم

اجتماعیات

آداب سخن :

هر سخن جایی و هر نقطه مکانی دارد . آداب سخن گفتن و رعایت حریم و حدود سخن ، برای انسان ضروری است . ایجاد ارتباط با دیگر افراد اجتماع ، مهم ترین ثمره ی زبان و سخن است ، « سخن ، به افراد هر زمان امکان می دهد ، تا از حاصل تجارب و تعلقات انسان نسل های گذشته و بهترین افراد مترقی معاصر آگاه شوند . » (بسیج ، 1380 : 193) اما ، چگونه سخن گفتن و جوانب و عواقب سخن را سنجیدن ، نکته مهمی در ایجاد این ارتباط است . چه بسا ، یک سخن به جا ، جان کسی یا کسانی را نجات بخشد ، یا یک سخن بی مورد ، جان افرادی را به خطر اندازد و یا حتی خود صاحب سخن ، به خاطر سخنی نسنجیده ، سر خود را بر باد دهد . انسان ، با زبان و سخن شناخته می شود و تا زبان به سخن نگشوده است ، هنر و عیبش معلوم نمی شود .

« انسان ، در زیر زبانش نهفته است . » (نهج البلاغه ، 1386 : 388)

به قول شیخ اهل شیراز :

زبان در دهان ای خردمند چیست
کلید در گنج صاحب هنر

چو در بسته باشد چه داند کسی
که جوهر فروش است یا پيله ور

(سعدی ، 1384 : 53)

انسان ، هر قدر بیشتر حرف بزند ، بیشتر عیوب و اشتباهاتش نمایان می شود . پرگویی ، نشان کم عقلی و کم گویی نشان کمال عقل است . هم جوامع اسلامی و هم جوامع دیگر ، کم گویی و گزیده گویی را ستوده اند و فصاحت و بلاغت در سخن را فضیلتی بزرگ برای انسان می دانند . « اگر عقل کمال گیرد ، گفتار نقصان یابد . »

(نهج البلاغه ، 1386 : 371)

جامی ، به سخن گفتن بها و ارج می دهد . در نظر او ، نو باوه ی بوستان لطایف ، دیباچه ی دیوان معارف و نشان عظمت انسان نسبت به ملائک ، همانا سخن است .

نو باوه ی بوستان لطایف سخن است
دیباچه ی دیوان معارف سخن است

سری که مقدسان از آن محروم اند
سر بر زده از زبان عارف سخن است

(دیوان 2 : 418)

کم حرفی و گزیده گویی ، گوهر دریای صداقت و راستی است و گوش روزگار ، بهتر از این مطلب سخنی نشنیده است .

به گوش دهر از این راست تر سخن نرسید
که گوهر صدف بحر صدق کم سخن نیست

(همان: 129)

سخن نا به جا ، مثل کام اژدهایی است که هر لحظه ممکن است آدمی را فرو بلعد ، بنابر این باید تا می توان با رعایت نحوه ی سخن گفتن ، از کام این اژدها رهایی یافت . « زبان ، درنده ای است که اگر رهایش کنی ، دندان می گیرد . » (نهج البلاغه ، 1386 : 370)

خلق اژدها و صحبتشان کام اژدهاست از کام اژدها به حیل رستن از دهاست

(دیوان 1 : 82)

سکوت ، راه نجات انسان است . هر کس از پرحرفی پرهیز کند و سکوت پیشه کند و سخن را در جای خویش بگوید ، نجات می یابد .

در صمت جو نجات که حکمی که عاقبت بر شرط «من صمت» مترتب شود نجاست

(همان)

سخنی که از روی هوا و هوس بپهوده گفته شود ، نقش بر آب است و ثباتی ندارد .

نقشیست بی ثبات سخن کش پی هوس کلک زبان رقم زده بر صفحه ی هواست

(همان)

آن که از نظر عقل به تکامل رسیده است ، کم صحبت می کند و بیش تر ترجیح می دهد سکوت کند و از هرزه درایی بر حذر باشد . علم و دانش و بینشی که در سینه ی انسان دانا نهفته است ، مثل گوهر است و بهتر است ، مثل صدف زبان نگشاید ، تا این گوهر در درون صدف سینه اش محفوظ بماند .

گر درون سینه داری گوهری چون صدف در قعر بنشین گنگ و لال

(همان : 551)

انسان ، هر چه که می خواهد بگوید ، باید ابتدا در مورد آن موضوع خوب فکر کند ، اگر سخنش به نفع و خیر خودش و شنونده باشد ، بگوید و گرنه ، خاموشی و سکوت بهتر از گفتن آن است .

هر چه خواهی بگویی ای خواجه بکن اندیشه اول از سر هوش

گر بود خیر سامع و قایل بگشا لب و گرنه باش خموش

(دیوان 2 : 396)

جامی ، حتی به خود نهیب می زند که در زمانه و جامعه ای که سخن گفتن ارزش و بهایی ندارد ، سکوت پیشه کند . زیرا ، انسان باید زمانی سخن بگوید که سخنش خریداری داشته باشد ، در غیر این صورت ، ارزش

سخن خود را از بین می برد . کم گویی ، باعث ارزش سخن می شود ، چنان که کم بودن کالا ، باعث افزایش قیمت آن می شود .

جامی ز کساد سخن خویش چه رنجی
کم گوی که باشد ز کمی قیمت کالا
(دیوان 1 : 746)

جامی از عرض سخن چیست ندانم غرضت
چون در این عهد کسی کم خرد این کالا را
(همان : 199)

لب از سخن فرو بستن ، به نفع خود انسان است ، چون طوطی این همه بینوایی و رنج قفس را به
خاطر سخن گو بودنش می کشد .

لب فرو بند از سخن جامی که طوطی این همه
بینوایی در قفس از گفت و گوی خود کشد
(همان : 413)

آداب معاشرت :

رفتار و کردار انسان ، نشان دهنده ی شخصیت اجتماعی اوست. هر کس متناسب با فرهنگ خانوادگی و اجتماعی که دارد ، رفتار می کند . خانواده به عنوان مهم ترین کانون اجتماعی ، نقش اساسی در تشکیل شخصیت انسان دارد ، زیرا که رفتار و کردار انسان ، تحت تاثیر فرهنگ حاکم بر خانواده است . کودکی که در یک خانواده ی متدین و با فرهنگ تربیت شود ، راه و روش زندگی در محیط اجتماعی را بهتر می آموزد و قابل قبول اجتماع است . بعد از خانواده ، محیط اجتماعی مثل مدرسه ، گروه دوستان و دیگر گروه ها ، نقش مهمی در شکل گیری شخصیت فرد دارند . همنشینی با افراد شایسته و فرهیخته ، مکمل فرهنگ خانوادگی انسان است ، و بالطبع ، همنشینی با دوستان ناباب تاثیر ویرانگری بر روی فرد می گذارد .

جامی ، به آداب معاشرت با دیگران اهمیت می دهد و مخاطب را به انس و الفت با دیگران فرا می خواند . هر کس در مقابل هر کنشی ، واکنشی می بیند و رفتار خوب مناسب با دیگران ، باعث افزایش احترام شخص می شود .

حافظ ، بهترین توصیه ی اخلاقی را در این زمینه در یک بیت خلاصه کرده است :

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
با دوستان مروت با دشمنان مدارا
(حافظ ، 1377 : 8)

جامی نیز ، همین مدارا با دشمنان و مواسا با دوست را این گونه بیان کرده است .

دنیا نه متاعیست که ارزد به متاعی
با خصم مدارا کن و با دوست مواسا
(دیوان 1 : 191)

جامی ، اعتقاد دارد که نادیده گرفتن عیب دیگران ، از جمله آداب همنشینی است . تمام افراد بشر ، عاری از عیب نیستند و هر کس به نوعی دچار اشتباه و لغزش می شود و یا از نظر جسمانی ممکن است دارای عیبی باشد ، پس آن که عیب دارد ، چگونه می تواند بر عیب دیگران انگشت بگذارد ؟

رعایت حق صحبت کسی تواند کرد
که عیناکی یاران سروری داند
(دیوان 3 : 538)

جامی ، به اظهار همدردی با همنوعان اهمیت خاصی داده ، هر کسی را لایق همدردی نمی داند . کسی که به درد و رنج و مصیبتی گرفتار نیامده است ، چگونه درد و رنج دیگر را می تواند بفهمد ؟ پس باید با کسی

درد دل کرد ، که صحبت با او باعث پیدا شدن راه فرج و روزنه ی امید شود ، نه با کسی که درد دل تو را مضاعف کند .

قصه ی سوز دل پروانه را از شمع پرس
شرح آن آتش ندارد جز زبانی سوخته
(دیوان 1 : 755)

انسان را با دوستش می شناسند . هر کس با توجه به مصاحب و همنشینی که دارد ، در نظر افراد جامعه هم رنگ و هم جهت با او تلقی می شود ، هر چند از نظر فکری با مصاحبش متفاوت باشد .
جامی به مخاطب تاکید می کند ، که گرد افراد ناخلف نباید گشت ، چه بسا همنشینی با آن ها باعث گمراهی فرد شود .

به لاف ناخلفان زمانه غره مشو
مرو چو سامری از ره به بانگ گوساله
(همان : 741)

هرکس در مقابل دیگران هر رفتاری می کند ، دیگران با او متقابلاً همان رفتار را می کنند . پس با دیگران بهتر است خوش رفتار بود . در غیر این صورت انسان هر چه می بیند ، از عمل خود می بیند .
عاقبت از همدمان بینی به چشم خود همان
خون ایشان را اگر ریزی به تیغ انتقام
(همان : 92)

دوست آن دانه که گیرد دست دوست
در پریشان حالی و درماندگی
(سعدی ، 1384 : 71)

این بیت سعدی ، به طور کامل احساس همدردی را بیان کرده است . اگر جامعه را یک خانواده ی بزرگی تصور کنیم ، افراد جامعه ، اعضای آن خانواده اند و در قبال دیگری باید احساس وظیفه کنند و از هیچ گونه کمک و یاری به هم نوع خودداری نکنند . کسی که در رفاه و آسایش است ، نمی تواند حال همسایه ی مستمند خود را در یابد . دلجویی از افراد دردمند وظیفه ی هر انسانی است .

چنین کز باده ی عشرت به خواب مستی شب ها
چه دانی محنت بی خوابی شب زنده داران را
(دیوان 1 : 212)

تشنگان را به دمی آب تفقد می کن
ای که منزل به لب آب زلال است تو را
(همان : 225)

گاهی یک رفتار و گفتار نا بجا ، باعث آزار و رنجش دیگران و کینه و خصومت می شود و چه بسا اثر آن

سال ها در دل انسان باقی بماند . پس تا جایی که می توان ، باید دل دیگران را بدست آورد . رنجش دل دیگری ، راه هر گونه مودت و دوستی را می بندد .

مزن بر دلم زخم و مرهم منه که پیوند نتوان چو شیشه شکست

(همان : 249)

طعنه زدن بر دیگران جایز و روا نیست . کسی که دچار بحران روحی و جسمی و اقتصادی و اجتماعی می شود متحمل درد و رنج فراوان است . پس اگر نمی توان زخم او را التیام نمود ، باید بر زخمش نمک نپاشید . طعنه بر دیگری ، باعث کدورت و دشمنی می شود و از یاد و ذهن او پاک نمی شود .

طعنه از کس خوش نباشد گر چه شیرین گو بود زخم نی بر دیده سخت است از همه نیشکر است

(همان : 73)

خداوند ، مودت و محبت را در میان انسان ها قرار داده است و به واسطه ی همین خصلت خوب انسانی ، افراد توجه یکدیگر را جلب می کنند . وقتی درخت دوستی تناور شود ، ریشه کنی آن محال است . افراد با دوستی ، دنیایی برای هم می سازند که ، فنا و زوالی در آن نیست و با هیچ عذر و بهانه ای نمی توان این رشته ی دوستی را گسست ، زیرا با خون و پوست انسان عجین می شود .

نه به لطف از ستم دوست توان یافت خلاص نه به صبر از الم دوست توان یافت خلاص

ای که گویی که به عشرت رهی از غم حاشا کی به عشرت ز غم دوست توان یافت خلاص

(دیوان 3 : 597)

هر دوره ای از زندگی انسان ، همنشین و مونس خاص خود را دارد و اگر انتخاب همنشین در سنین مختلف زندگی ، متناسب با سن و سال انسان نباشد ، باعث ملالت و دل زدگی است . هرکس زبان هم سال خود را بهتر می داند . جوان صحبت جوان و پیر زبان پیر را . بدیهی است ، اگر یک

پیری با جوانی همنشین و هم صحبت شود ، باعث دلخوری و بی حوصلگی او می شود و بالعکس .

شدهی جامی چو پیر از گردش دهر ز پیوند جوانان گوشه ای گیر

به یاد آر آن که در عهد جوانی نمی آمد تو را خوش صحبت پیر

(همان : 397)

هم چنین ، انسان از نظر منزلت اجتماعی نیز ، باید در گزینش همنشین دقت کند . بهتر است انسان با فردی رابطه ی دوستی برقرار کند ، که از نظر طبقه ی اجتماعی با هم وجه مشترک داشته باشند . همنشینی

غنی با فقیر ، دانا با نادان ، افراد دارای جاه و مقام با افراد فرودست و نظایر آن ، رابطه ای سست و متزلزل بوده و دوام نخواهد داشت . جامی اعتقاد دارد ، که اگر انسان با کمتر از خود مصاحبت کند ، برایش مفید نخواهد بود و ابراز وجود در مقابل برتر از خود هم نتیجه ی خوشی ندارد .

مشو با کم از خود مصاحب که عاقل
همه صحبت بهتر از خود گزیند
گرانی مکن با به از خود که او هم
نخواهد که با کمتر از خود نشیند

(دیوان 1 : 840)

آزار و اذیت دیگران ، از جمله رفتار های نکوهیده ی اخلاق انسانی است . آن کس که در پی آزار دیگران است ، بالاخره باعث تنفر و انزجار آن ها می شود . جامی ، معتقد است کسی که در پی آزار دیگران است ، نباید او را در آسایش امنیت گذاشت ، که مردن مردم آزار بهتر از آسوده زیستن اوست .

آزار جو را مکن آسوده ز ایمن
کآزرده مردنش به از آسوده زیستن

(همان : 122)

وفا به عهد ، از جمله ویژگی های یک همنشین و دوست است . هرکس که قول و تعهدی می دهد ، باید به قولش وفا کند . از قدیم گفته اند : سر مرد برود زیر قولش نمی زند . انسان بزرگوار چون وعده دهد ، وفا کند . وفای به عهد در میان تمام جوامع بشری ، نقش مهمی در روابط و کنشهای اجتماعی دارد . عمل کردن به وعده ، باعث جلب اعتماد افراد و احساس وظیفه می شود .

خلف وعده از انسان های بزرگوار جایز نیست .

وعده ی لطف و کرم را مکن ای دوست خلاف
کز کریمان نسزد آن چه خلاف کرم است

(دیوان 1 : 277)

شرط یار پیام یار آریست
شرط یاری به جا که می آرد
به جگر خستگان خار جفا
گل باغ وفا که می آرد

(دیوان 2 : 194)

چنان که افراد متعهد ، به عهد خویش وفادارند انسان های ناجوان مرد ، شرط وفا را به جای نمی آورند ، زیرا در وجود آن ها خاصیت مروت و آدمی از بین رفته است ، بنا بر این ، نباید از چنین کسانی امید وفا داشت و باید از آن ها دوری جست .

از ناکسان وفا و مروت طمع مدار
از طبع دیو خاصیت آدمی مجوی

(دیوان 1 : 778)

از دوست هر چه رسد نیکوست . دوست واقعی ، محرم اسرار و آینه ی دوست خویش است . در تمام مراحل زندگی ، در غم ها و شادی های دوستش شریک می شود . دوست خوب ، مثل برادر انسان است و هر چه درقبال دوست کند ، دلپذیر است حتی رنج دیدن ازدوست واقعی هم ، برای انسان لذت بخش است و نباید از آن رنجیده شد .

راحت شمر ز دوست دلا زخم تیغ را
تو تیغ را مبین بنگر کان ز دست کیست

(دیوان 1 : 298)

دوست و یار خوب ، بهترین کمک انسان در مسیر زندگی است و به کمک دوست ، می توان در مقابل حوادث موفق و سربلند شد . همکاری و همیاری ، در توسعه جامعه و پیشرفت افراد مهم است . به کمک مساعدت دیگران ، می توان از موقعیت های به دست آمده بهترین استفاده را کرد ، و به تنهایی نمی توان از تمام فرصت ها به خوبی بهره برد . پس داشتن رفیق خوب در مسیر زندگی ، نقطه ی اتکایی برای هر فرد محسوب می شود .

رهروی خوش سخنی گفت ز پیران طریق
کاولین شرط در این راه رفیق است رفیق

(دیوان 2 : 528)

خانواده به عنوان مهم ترین و اولین کانون برای پرورش فضایل اخلاقی افراد و آماده سازی آنان برای روابط اجتماعی است . فردی که در محیط خانوادگی با فرهنگ ، مذهبی ، منطقی و عقلانی پرورش یابد ، طرز رفتار او درمقابل افرادجامعه ، با کمال و ادب قرین است . کمال و ادب هر چند می تواند به طور ذاتی یا ارثی در نهاد انسان به ودیعه گذاشته شود ، اما تلاش و همت انسان برای کسب کمالات اهمیت زیادی دارد . جامی ، مثل مولانا عقیده دارد ، که خداوند توفیق کسب کمالات و فضایل اخلاقی را به انسان داده است و هرکسی می تواند با مساعدت و توفیق الهی ، راه واقعی کسب مدارج و کمالات والای انسانی را بیابد .

طالب صحبت رندان شو و توفیق ادب
از خدا خواه که الله ولی التوفیق

(دیوان 1 : 528)

انسان با ادب ، محبوب خدا و مردم است . خداوند عاشق بنده اش بوده ، که او را آفریده و سپس بنده اش را عاشق خود ساخته است . این عشق پاک ، باعث تهذیب نفس و آراستگی صفات الهی می شود . انسانی که به خدا عشق می ورزد ، آفریدگان خدا را نیز دوست دارد و به آن ها با دیده ی احترام و ادب می نگرد . ادب